



## بانکداری اسلامی و مذمت ربا با نگاهی بر ادبیات فارسی در آثار مولفان ایران و تاجیکستان

مرجان مدنی<sup>۱</sup>  
عمر صفر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

### چکیده

ادبیات فارسی سرشار از موضوعات کاربردی است. بسیاری از مسائل اجتماعی موجود در متون ادبی، الگوها و هنجارهای معتبری را ارائه می‌دهد که در جوامع دیرین ایران و کشورهای فارسی زبان مانند تاجیکستان رایج بوده است. این نمونه‌ها هم از جهت شناخت جامعه گذشته و هم از لحاظ عبرت و آموزه برای آیندگان اهمیت دارد. از میان موضوعات اجتماعی، مسائل اقتصادی و آثار آن در جامعه، یکی از مسائل در مذمت ربا و نقش بانکداری اسلامی و آثار آن در جامعه می‌باشد. برای آشنایی با این موضوع در ادبیات فارسی و نوشتار حاجی آقا "صادق هدایت و "مرگ سودخور" صدر الدین عینی در منظر نثر معاصر فارسی این مقاله به بررسی بانکداری اسلامی و مذمت ربا با نگاهی بر ادبیات فارسی در آثار مولفان ایران و تاجیکستان پرداخته است. معتبرترین متون نثر فارسی جهت پژوهش برگزیده شده و به روش اسنادی بررسی شده است. مطالب و داده‌های این تحقیق به روش فیش‌برداری استخراج، سپس تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افکار و اندیشه‌های اقتصادی در راستای مذمت ربا نشان از آثار گسترده این پدیده در مسائل اجتماعی کشور را دارد. بانکداری بدون بهره محصول اصیل و درونزای فرهنگ و تمدن اسلامی نیست بلکه ابداع جدیدی برای رفع برخی نگرانی‌ها درباره شبهه ربوی بودن بانکداری مدرن است. در این پژوهش از منظر نوشتار حاجی آقا "صادق هدایت و "مرگ سودخور" صدر الدین عینی بانکداری اسلامی و حرمت ربا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات فارسی – بانکداری اسلامی – حرمت ربا – بهره

طبقه بندی JEL: C33, C36, D31, F43

۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان marjan.madani2022@gmail.com

۲ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان (نویسنده مسئول).

umarsafar@yahoo.com



## ۱- مقدمه

توسعه بانکداری اسلامی معمولاً بصورت فرآیندی تعریف می شود که موجب توسعه خدمات و واسطه های مالی در کیفیت، کمیت و کارایی می شود. مطابق با بحث های تئوریک توسعه بانکداری اسلامی از طریق تجمیع و تجهیز منابع سرمایه ای و نیز تخصیص بهینه این منابع بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی اثر می گذارد. به گونه ای که با تسهیل مدیریت ریسک، مشخص کردن پروژه های دارای بازدهی و تسهیل مبادله کالا و خدمات، با ارتقاء تخصیص بهینه سرمایه موجب بهبود بهره وری عوامل کل تولید و به تبع آن افزایش رشد اقتصادی شود. هم چنین توسعه بانکداری اسلامی می تواند باعث افزایش بازدهی پس انداز شود که این خود دارای دو اثر جانشینی و درآمدی است و به تبع باعث افزایش یا کاهش پس انداز، سرمایه گذاری افزایش یا کاهش خواهد یافت. نظریه های ساختار مالی نیز ابزار مناسبی برای تحلیل رابطه بین توسعه بانکداری اسلامی و سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را فراهم می کنند: نظریه بانک محور<sup>۱</sup> بر نقش مثبت بانکهای تجاری در رشد اقتصادی تاکید دارد، بر این اساس بانک ها در مراحل اولیه توسعه اقتصادی می توانند توسعه اقتصادی را بصورت کارا تامین مالی نمایند. در مقابل نظریه بازار محور<sup>۲</sup> نقش مثبت بازارهای مالی را در ارتقاء عملکرد موفق اقتصادی بیان می کند، طبق این نظریه، بازارهای بزرگ دارای قابلیت نقدشوندگی بالا و دارای کارکرد خوب می توانند باعث بهبود رشد اقتصادی، افزایش انگیزه های سودآوری و تسهیل مدیریت ریسک شود. نظریه خدمات مالی<sup>۳</sup> که مبتنی بر هر دو محور بانک و بازار است بر اهمیت تامین خدمات مالی توسط سیستم مالی تاکید دارد. طبق این نظریه، خدمات مالی برای رشد اقتصادی و توسعه صنعتی مهم هستند. تجربه کشورها حاکی از آنست که در کشورهای پیشرفته صنعتی، توسعه مالی عمدتاً در خارج از بخش بانکی رخ می دهد بنابراین پایه توسعه مالی در بخش غیر بانکی است. اما در کشورهای در حال توسعه؛ توسعه مالی عمدتاً بر اساس اصلاح عملکرد بانک ها بوده و در بخش بانکی رخ می دهد. (احمدوند، ۱۴۰۱)

طرح نظری ضرورت بانکداری اسلامی (بدون بهره) به عنوان جایگزین بانکداری متعارف، مبتنی بر دو فرض اساسی است. اول یکسان انگاشتن بهره بانکی در نظام اقتصادی جدید و ربای رایج در دوران جاهلیت پیش از اسلام، دوم ناکارآمدی و ناعادلانه دانستن نظام بانکی مبتنی بر بهره. گرچه فرض دوم را می توان توضیحی عقلی (و حتی توجیهی شرعی) برای فرض اول تصور کرد اما در عین حال برخی از نظریه پردازان بانکداری اسلامی فرض دوم را مستقل از اسلام نیز قابل طرح و دفاع می دانند. اما چون بانکداری متعارف (مبتنی بر بهره) در دنیای امروز واقعیتی غیر قابل انکار است و پاسخگوی بخش مهمی از نیازهای نظام اقتصادی امروزی است نفی آن مستلزم پیشنهاد جایگزین، برای برآورده ساختن این نیازها است. آنچه نظریه پردازان بانکداری اسلامی در این باره مطرح ساخته اند، حول محور مشارکت می چرخد که به همراه قرض الحسنه و دیگر عقود اسلامی کل نظام بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی را تشکیل می دهد. (موسویان، ۱۴۰۰)

<sup>۱</sup> - Bank -Based Theory

<sup>۲</sup> - Market -Based Theory

<sup>۳</sup> - Financial Services -Based Theory

مسئله روابط ادبیات مردم فارسی‌زبان مقوله خاصی است که شاید در جهان نظیر نداشته باشد. زیرا می‌توان گفت این ادبیات، از آغاز ظهور خود تا به امروز دائما در ارتباط و همسانی بوده است. شاید سبب این ارتباط همیشگی این است که گذشتگان ما، ایرانیان و تاجیک‌ها، در ابتدای راه ادبیاتی بزرگ همراه با زبان غنی و توانایی خلق کردند، که نه تنها آن را می‌توان یادگار ماندگار ادبی و فرهنگی دانست که معنویت و هویت مردمان را شکل می‌دهد و از آن رو نمی‌توان آن را فراموش کرد و در همه حال روزگار ما همیشه حضور دارد، بلکه آن چون کهن الگوبست، که در ضمیر ناخودآگاه ما نهفته و در لحظه‌های ضروری به کمک مردم ما می‌آید. همچنین در زمان جدایی اجباری سیاسی و مذهبی، که چهار صد، پانصد سال پیش یعنی بعد از قرن ۱۶ میلادی به میان آمد و یا در قرن ۲۰، در زمان مخالفت‌های سیاسی و ایدئولوژی که سبب متزلزل شدن این روابط گردید، باز هم این ارتباطات و معنویات در شکل مختلف در ذهن مردمان ما وجود داشته است. امروزه روابط دوستانه و برادرانه مردم ایران و تاجیکستان در حال رشد و تحکیم بیشتری است و بررسی چگونگی این ارتباطات ادبی و حوادث جداگانه آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که ما به این وسیله می‌توانیم به آن نکته‌های مهمی توجه داشته باشیم، که در دوران جدایی‌ها نیز فعال بودند و در ایامی که ارتباطات مردم ایران و تاجیکستان رو به رشد نهاده است می‌تواند عامل مؤثری در تحکیم این روابط باشد. علاوه بر آن، بررسی و تحقیق این نکته‌های شبیه یک عامل بسیار مهم و بازگوکننده یگانگی روند ادبی فارسی زبان بوده است. البته در این مورد، تحقیق نمونه‌های آثار و کار و ایجاد نمایندگان پیشرو این دو ادبیات مثالی است برای روشن کردن ماهیت مسئله بانکداری اسلامی و مذمت ربا پژوهش تطبیقی آثار دو چهره روشن و پیشرو ادبیات تاجیکی و ایرانی استاد صدرالدین عینی و صادق هدایت، بخصوص داستانهای مشهور ایشان «مرگ سودخور» و «حاجی آقا» انتخاب شده است، زیرا این دو ادیب در سرآغاز ادبیات مدرن تاجیکی و ایرانی قرار دارند و کتابهای مذکور ایشان هم از نظر محتوا و موضوع و هم از جهت استفاده از آرایه‌های ادبی، اصول تصویرهنر، روایت واقعه‌ها و شخصیت آفرینی شباهتهای زیاد و جالبی دارند. این همه مسائل برای روشن کردن ارتباطات ادبی تاجیکستان و ایران و روندهای شبیه و عمومی این ادبیات از اهمیت علمی و عملی زیادی برخوردار است. زیرا به گفته اسماعیل آذر، یکی از پژوهشگران ادبیات تطبیقی «در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد، که چه گونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه دیگر مجال بروز می‌یابد» و به روش تطبیقی آموختن ادبیات‌های دو کشور که تاریخ و زبان یگانه ای دارند از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند.

«مرگ سودخور» عینی در ادبیات تاجیکی زمان شوروی به عنوان بهترین اثر واقع‌گرایانه در پیشبرد و بالا رفتن ارزش نثر مدرن تاجیکی مساعدت‌ها نموده است. «حاجی آقا» صادق هدایت نیز از آثار استثنایی است، که از طرز و شیوه خاص مؤلف، هنر واقع‌گرایانه او گواهی می‌دهد. و این آثار نه تنها اثرهای با ارزش این ادبیات‌ها شناخته شده‌اند، بلکه بیانگر سبک و روش خاص، بخصوص نمونه بارزی از مکتب واقع‌گرایی در نثر فارسی‌زبانان بشمار می‌آیند. پس می‌توان گفت، که ادبیات فارسی تاجیکی و ایرانی لایق این است که از دیدگاه مقایسه‌ای و تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد تا عمومیت و وجوه اشتراکی، که در آنها هست، آشکار گردد و همچنین، از یک طرف، منظره کلی روند رشد این ادبیات‌ها و از سوی دیگر، محاسن خاص ادبی هر یکی از آنها مشخص گردد.

## بیان مساله

صادق هدایت از پیشروان و پیشگامان و پایه گذاران ادبیات جدید داستانی شناخته شده است، که نثر نو فارسی را با شکل و قالب و دید تازه به انسان و حادثه های زندگی بنیاد نهاده است. «هدایت از پرکارترین نویسندگان فارسی زبان معاصر است و در داستان نویسی معاصر ایران، بالاترین مقام را داراست. او را می توان مشهورترین نویسنده ایرانی هم در ایران و هم در خارج ایران به شمار آورد» اصول وی هم از تکنیک نو، تصویر روان شناختی سیال ذهن و هم از تصویر درونی اجتماعی، طنز و انتقاد استفاده کرده و با هنرمندی تمام از سبکهای سورئالیستی و رئالیستی بهره برده است. سعید نفیسی بر این باور بود که به قطع و یقین وسعت فکر و بلند پروازی اندیشه هدایت بر همه مقدم است و همین باعث کمال رونق آثار ادبی اوست، زیرا «نویسنده بزرگ آن کسی است که اندیشه بسیار بلند داشته باشد و فکرهاى تازه اى بکند که دیگران هنوز نکرده اند چنانکه همه هنرها تابع این اصل اند» صدر الدین سید مراد زاده، متخلص به عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، از شخصیت های برجسته فرهنگ فارسی تاجیکستان در قرن بیستم در ماوراءالنهر به شمار می رود. عینی از پایه گذاران ادبیات و علم و فرهنگ مدرن تاجیکی معرفی شده است و امروز همه مردم تاجیکستان او را با افتخار استاد می نامند. به تعبیر یکی از فرهیختگان تاجیک، علامه باباجان غفور اف (۱۹۰۹-۱۹۷۷)، او به اعتبار آن سهمی، که در بنیاد زبان و ادبیات تاجیکی و علم و فرهنگ مدرن آن، در آموختن تاریخ و تصدیق هستی مردم تاجیک گرفته است، سزاوار به توصیف «پدر ملت» تاجیک می باشد. (۲۱۱، ۲۵۵) و محمد شهید نورایی صدر الدین عینی را پایه گذار ادبیات شوروی تاجیکی می داند و چنین اظهار می نماید که «عینی نخستین کسی است که ادبیات شوروی تاجیکستان را به شکل تازه ای که وابستگی با ملت و حیات تاجیکها دارد در نظم و نثر ایجاد کرده است. آثارش از حیث شکل و قالب ملی است و از حیث مفاد سوسیالیستیست» (۳۳-۳۲، ۱۰۱) و این نکته نیز باید رمزی باشد که دوستان تاجیکی ما در زمان صاحب استقلال شدن جمهوری تاجیکستان یکی از نخستین شخصیت هایی که به سزاوار به عنوان «قهرمان تاجیکستان» دانستند، صدرالدین عینی بوده است.

داستان «مرگ سود خور» (نزول خور) به نظر متخصصین این حوزه یکی از بهترین آثار صدرالدین عینی است. همانگونه که در بالا ذکر شد «مرگ سود خور» پی در پی به سه صورت چاپ شد و خلاصه داستان به این صورت است: راوی جوان که دانش آموز مدرسه است به دنبال حجره بوده در سال ۱۳۱۲ هجری (۱۸۹۴-۱۸۹۵م) دوستی به او می گوید که باید مردی به نام قاری اشکمبه (Qari Iškamba) را پیدا کند که حجره های زیادی دارد. نام اشکمبه - سیراب چهار پایان - جوان را کنجکاو کرد و از این مرد عجیب و غریب خوشش آمد. حتی وقتی فهمید که اصلاً حجره های او به درد یک پسر فقیر نمی خورد؛ او موظف بود در ازای اجاره حجره هر روز شام قاری را آماده کند. سپس اتفاقات بسیاری رخ میدهد و قاری را بهتر میشناسد. می فهمد که او یک نزول خور بی رحم و خسیس است که سعی می کند از هر چیزی، حتی کوچکترین چیز، بهره ببرد. داستان که ادامه پیدا می کند، وضعیت زندگی در حومه شهر و نقشی که نزول خوران در وضعیت مایملک زمین داران بزرگ و مالکین شهر دارند آشکار می شود. خواننده ترفندهای خنده دار و تعجب آوری از نزول خواران می بیند، فریب دادن یک نفر در حالیکه تظاهر به مهربانی و دل رحمی می کند، شهادت دروغ دادن، رشوه دادن به مقامات، سوء استفاده از بی

سوادی کشاورزان هنگام نوشتن قول نامه، بی توجهی به دستورات شرع که وام دادن با بهره و پس گرفتن در ازای سفته که یکی از تکنیکهای اقتصادی در اوضاع شروع جنگ بود را درست نمی دانند. قاری میلیونر بود، اما بعداً نتوانست پا به پای تاجران بزرگ و ثروتمند که در مسکو معامله داشتند پیش برود. تجارت به دلیل رکود اقتصادی از رونق افتاد. دشمن بزرگ قاری در ابتدای داستان بانک هایی بودند که وام هایی با بهره قانونی می دادند. اما در پایان همین بانک ها هستند که پشتیبان و حامی قاری شدند. سپس قاری چیزی در مورد انقلاب می شنود و به سرعت احساس می کند موقعیتش در خطر است. داستان وقتی به پایان می رسد که قاری در حال نماز خواندن در حیات مسجدی از مردی که کنارش نشسته می شنود که بلشویک ها قدرت را به دست گرفته اند و بانک ها در اختیار آنهاست قاری هم بر زمین می افتد و می میرد. هدف نویسنده توضیح روند پیوسته فقر کشاورزان سطح متوسط و پایین در آسیای مرکزی در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ است که همزمان دست در دست رشد سرمایه داری دارد. اگر چه با بسیاری از شاخصه های فنودالیسم نیز مرتبط بود. «مرگ سود خور» همزمان با آن که اثر یادداشتی هجوی است، اثر تاریخی نیز می باشد و اگر چه تاریخی که توضیح می دهد زیاد دور نیست، ولی متفاوت است. بخارا در زمانی توضیح داده شده که آسیای مرکزی زیر سلطه تزارهای روس بود. اقتصاد پولی در رابطه با سرمایه داران به سرعت پیش می رفت. عینی سعی داشته تا ویژگی های ضروری زندگی اجتماعی را به تصویر بکشد که عبارتند از: روان شناسی، آداب و تصویری اخلاقی از گروه های اجتماعی گوناگون زمان جوانی اش. از این لحاظ مرگ سود خور یک شرح حال است و می توان آن را بخشی از مجموعه ای که توسط «یادداشتها» (yoddaštha) ۱۹۵۴-۱۹۴۹) در ۴ جلد نوشته شده دانست. این اثر به صورت یک اخبار نامه در آمده که بر اساس خاطرات شخصی نوشته شده و داستانی که می گوید درست برخلاف تصور ما از جایی است که آن را خوب می شناسیم، که همین ویژگی این اثر را خاص کرده و مؤکد صحت آن است. در واقع نویسنده به پذیر رفتاری داستان پرداخته است. نویسنده می خواهد به جوانان تاجیک نه تنها تاریخ غم انگیزشان را نشان دهد بلکه می خواهد وضعیت آن دوره را در ذهن خواننده به صورتی جلوه دهد که در بسیاری از کشورهای آسیایی در دوره ای که داستان نوشته شده و حتی تا امروز وضعیتی نرمال و عادی است. نویسنده نمی توانسته شیوه بهتری برای نشان دادن جهان استثمارگر پیدا کند به جز شرح حال رباخواران و تنگ نظران. شخصیتی که در ادبیات جهان «شخصیت جاوید» است. داستان های «حاجی آقا» ی صادق هدایت و «مرگ سود خور» صدر الدین عینی معلوم است، که در موضوع عمومی - تصویر سیمای سود خور و به این وسیله نشان دادن عاقبت های ناپهنجار این پدیده اقتصادی و یک واسطه درآمد غیر طبیعی در جامعه بخشیده شده اند. در حقیقت سودخوری از آغاز جامعه انسان، از زمانی که انسان ها به طبقه های مختلف تقسیم شدند و هر کدام دنبال کار خودشان رفتند. زمانی که دارا و ندار از هم جدا شدند و نهایت، زمانی که پول واسطه مناسبت اقتصادی و تبادل مال به میدان معاملات انسان ها وارد شد، ثروتمندی و جمع کردن ثروت یک شکل مهم مقام و مرتبه انسان ها شناخته شد، ظهور نمود و همراه با رشد و تکامل اهل عالم شکل دیگر گرفته و همچون یک حادثه مداوم ادامه یافته آمده است. چنین به نظر می رسد، که سودخوری در غریزه انسان و پول و ثروت نهفته است. ثروت و پول طبیعتاً حرص و طمع را به میان می آورند، مهمترین خصوصیت آن ها افزایش روز افزون و بیش از پیش بودن است. این حالت فقط مختص نفس انسان بوده

است، که در گرد آوردن مال و ثروت حدی را قبول نداشته است. از اینرو، سودخوری یک مقوله ای است که وابسته اقتصاد و اجتماع و جهت‌های روانی و اخلاقی انسان بوده، همیشه مورد بررسی و انتقاد در آثار مذهبی، اخلاقی و ادبی و علمی قرار گرفته است. یکی از پژوهشگران جامعه کاپیتالیستی کارل مارکس در کتاب خود «کاپیتال» این ضرب‌المثل فرانسوی را یادآور می‌شود، که «پول خوجه ئینی (ارباب) ندارد». آری، از این تمثیل حیاتی دو نکته را می‌توان بیرون کشید. اولاً: در جامعه کاپیتالیستی فرمانروای میدان عملیات اقتصاد پول است و کسی بر آن نمی‌تواند فرمانروایی کند. ثانیاً: بر پول خوجه ئینی کردن در هر مورد امکان ندارد (۱۵۷، ۲۰۴). وی در همان زمان تمثیل فرانسوی دیگر را نیز ذکر می‌کند: «زمین بی صاحب وجود ندارد» (۱۵۷، ۲۰۴). اصلاً به معنای کلی سود خوردن واسطه رشد و نمو اقتصاد و زندگی بنی آدم است. ولی سودی که از حد اعتدال بیرون نرفته باشد و در دایره قانون‌های جاری (عمل‌کننده) جریان بگیرد. طبیعتاً هر چیزی که از اعتدال بیرون رفت، به ضرر جامعه، اقتصاد و انسان است. بنابراین، سود خوری و شخص سودخور از همین گونه پدیده‌های منفی هستند که به هیچ جمعیتی و دور و زمانی فایده نرسانده اند، بلکه از زمان‌های قدیم به دلیل این عمل آن را نقد و مذمت کرده اند. ادبیات شناس معاصر چک، ارژ بیچکا سیر تحول موضوع سودخوری و مناسبت آن با جامعه، دین و مذهب را در مناسبت با «مرگ سودخور» صدرالدین عینی مفصل مورد بررسی قرار داده است. به گفته وی محکوم کردن و تمسخر سودخوری و بخیلی و خسیسی سابقه چند هزار ساله در ادبیات فارسی دارد. چه در اندرز نامه‌های قدیمی چه در کتاب مقدس «اوستا». سودخوری همچون پدیده ضد جمعیت محکوم شده است. در تعلیمات دین زردشتی سودخوری ساخته دست اهریمن بوده است و بر این اساس در رده اول همه بدی‌ها قرار دارد. (۱۱۸، ۱۸۳؛ ۲۶۵) در فرهنگ و ادب اسلامی نیز نمونه و مثال فراوانی موجود است، که سودخوری چون حادثه خفناک جامعه از جانب مردم شناخته شده است. ارژ بیچکا در مقاله مذکور یکی از نمونه‌های نخستین از این قبیل آثار اسلامی، اثر جاحظ «کتاب البخلاء» را ذکر کرده است. در ادبیات بدیعی و اخلاقی و فلسفی فارسی و تاجیکی بعد اسلام نیز به ربا خوری، بخصوص سودخوری مذمت شده و محکوم گردیده است. از جمله، در کتاب مقدس قرآن در سوره‌های «بقره» و «روم» و «آل عمران» عمل سودخوری سخت محکوم شده است. از جمله، در آیه ۲۷۵ سوره «بقره» آمده است: **الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَلَئِمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** «کسانی، که ربا می‌خورند، (در قیامت) مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و تعادل خود را از دست داده) برمی‌خیزند. این به خاطر آن است که گفتند: «بیع (داد و ستد) مانند ربا است» در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام. (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرزی از جانب پروردگارش به او رسد، و (از رباخوری) خودداری کند، سودهای پیشین (و قبل از تحریم) از آن اوست؛ و کار او به (عفو) خدا واگذار می‌شود؛ اما کسانی که (به رباخوری) باز گردند اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند بود» (۴۷، ۱۲۰). همچنین در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید تا رستگار شوید...» (۶۶، ۱۲۰).

مسئله سودخوری یکی از مسائل خیلی حسّاس در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورهای شرق و غرب بوده است. سودخوری از زمان پیدایش جامعه انسانی ظهور کرده و یکی از حوادث منفی زندگی اجتماعی و اخلاقی بشر به شمار آمده است. همچنانکه در بالا ذکر شد اقتصاددانان از فساد آن سخنان بسیاری گفته اند، اهل مذهب و دین، سودخوری (یعنی ربا) را حرام کرده اند. اهل ادب فارسی زبان در تمام تاریخ هزار ساله لب به مذمت این حادثه ناگوار گشوده اند و در شعر و داستانهای متعددی از بدیهای این پدیده زیان آور سخن گفته‌اند. موضوع سودخوری در زمان ما نیز، که عالم به راه رشد و نمو تازه ای وارد شده است، همیشه مورد گفتگو و تحلیلهای جدی قرار گرفته است، زیرا آن یک مانع بزرگی برای رواج طبیعی اقتصاد و صحت اخلاقی جامعه دانسته شده است. ادبیات نیز در این موضوع خیلی حسّاس بوده است و اهل ادب چه در غرب و چه در شرق کوشیدند تا که سیمای منفور و چهره فلاکت بار افراد سودخور را با قوه قلم خود تجسم و افشا نمایند. از این نکته نظر، اثر نویسنده توانای ایرانی صادق هدایت «حاجی آقا» و ادیب بزرگ تاجیکی صدرالدین عینی «مرگ سود خور» خیلی جالب توجه بوده، برای روشن کردن مسئله مذکور و شباهتهای هنری ادبیات تاجیک و ایرانی در تصویر بدیعی سودخوری و سیمای سودخور مواد جالبی می تواند داشته باشد. در آثار تحقیقات ادبیات شناسی درباره مسئله مذکور سخن بسیار کمرنگ به میان آمده و در ایران درباره «حاجی آقا»، تا آنجا که ما آگاه هستیم، کار زیادی انجام نداده اند و از جهت نقد تطبیقی نیز قضیه مذکور اصلاً کار گرفته نشده است. اما درباره شباهتهای قاری اشکمه به دیگر نوعهای (تیپهای) ادبی همسانش در ادبیات جهانی علمای سابق شوروی و تاجیکی تا حدی بحثها به میان آورده اند. از جمله، یکی از محققان ایجادیات صدرالدین عینی، که سالهای طولانی به پژوهش آثار او مشغول گردیده است، ای. آصف سماعیلویچ برگینسکی در مورد شباهت شخص اول قصه عینی با همسانهای او در دیگر ادبیاتها چنین ابراز عقیده کرده است: «در آبرز قاری اشکمه خصلت به هر گونه میده-چوپیده ها خسیسی کردن پولوشکین و رذالت او با منافقی و ریاکاری گالاولیوانه (یعنی ایدوشکه گالاولیف از کتاب ص. شدرین «جنابان گالاولیوها») یکجایه شده، او را در تمام حرکت و تظاهراتش منفور و خنده سار می کند» (۱۲۴، ۱۸۵). همچنین، مؤلف مذکور اظهار می دارد، که عینی توسط هجو اجتماعی امکان یافته است، که «آبرز عمومیت داد شده خسیس و پول پرستی» را به وجود آورد، که او «در قطار سلسله آبرز ممسکها و خسیس و پول پرستانی، که ادبیات عمومی جهانی به وجود آورده است، جای سزاواری را اشغال می نماید» این محقق چهره قاری اشکمه را با گوبسک- شخص اول اثر همانم نویسنده توانای فرانسوی آناری دی بالزاک- مقایسه نموده، به نتیجه ای می رسد، که هر چند که این دو چهره از جهت ماهیت به همدیگر شبیه می باشند، ولی وابسته به وضعیت و شرایط فعالیت برخوردارشان به پول و خصلتهای شخصی از هم تفاوت دارد. چهره گوبسک با همه منفوری و وقاحت به آدم ها وحشت القا می نماید. وی «پادشاه طلا و پول است» (۱۲۵، ۱۸۵) اما قاری اشکمه نیز، که مثل او وقیح و منفور است، در انسان نه وحشت، بلکه حس نفرت به وجود می آورد. نتیجه گیری برگینسکی درباره سیمای قاری اشکمه چنین است، که وی: «پادشاه طلا و پول نبوده، بلکه غلام آن است» (۱۲۵، ۱۸۵). و این نکته نیز جالب دقت می باشد، که گوبسک به مرگ طبیعی (چون خیلی پیر شده است و علاج دیگر نیست) می میرد، اما قاری اشکمه از خوف و خیر از دست رفتن

پولهایش یکباره دلکف (ترکیدن دل) شده و مُرد... (۱۲۶، ۱۸۵). اما برگینسکی در مورد شباهت قاری اشکمه و حاجی آقا چیزی نمی گوید. (۱۲۴، ۱۸۵).

نیازهای اقتصادی مبنای بسیاری از پدیده‌های اجتماعی مانند قدرت، پایگاه، مشاغل و طبقات، فقر و نابرابری درآمدی می باشد، بروز رباخواری در جامعه می تواند به نابرابری درآمدی منجر گردد. به نوعی می توان بیان داشت رباخواری مسئله‌ای نیست که قابل انکار باشد، از بین بردن دین، افزایش فقر در جامعه و دامن زدن به اختلافات طبقاتی، از بین رفتن رفتارهای نیک مانند قرض الحسنه با رواج فرهنگ سودمحوری در جامعه، پُر شدن شکم رباخوار از آتش جهنم، پذیرفته نشدن اعمال رباخوار از سوی خدا، لعنت فرشتگان، رکود فعالیت‌های مفید اقتصادی و فساد اموال از جمله نتایج ربا، در روایات معصومین (ع) است که همچنین این مسأله مهم «مدیریت اقتصادی» مورد توجه اندیشمندان ادبا نیز قرار گرفته است. (موسویان، ۱۴۰۰)

یکی از دلایل مذمت و تحریم «ربا» روایات بسیار زیاد و گسترده ای است که در منابع مختلف وارد شده است. این روایات به قدری زیاد است که شاید به سر حد تواتر برسد. در این روایات، تعبیرات بسیار تکان دهنده و شدیدی وجود دارد که نشان دهنده قبح فراوان این کار بوده است. این روایات، برای کسانی که به این کار اقتصادی ظالمانه و غیرانسانی دست می زنند عاقبت دردناکی را ترسیم نموده است و عجیب اینکه درباره کمتر گناهی، این تعابیر دیده می شود. در رابطه با حرمت عمل «ربا» می توان اظهار داشت ربا در منابع لغوی همچون «لسان العرب» و «العین» به معنای زیاد شدن و رشد کردن آمده و در تمام ادیان الهی به ویژه اسلام با شدت تمام تحریم شده است. ربا در معامله، به معنای معامله دو کالای هم جنس از کالاهای مکمل یا موزون همراه با زیاده در یک طرف است؛ لذا چنین معامله ای مادامی ربا محسوب می شود که دو کالای هم جنس مکمل یا موزون باشند، یعنی واحد خریدوفروش آن‌ها با پیمانانه یا وزن باشد و چنانچه با شمردن خریدوفروش شوند، ربا نیست. (ندیری، ۱۴۰۰)

### ادبیات موضوع

از نثر نوین فارسی و تاجیکی شاید بیش از صد و پنجاه سال نمی گذرد یعنی تألیفات ادبیات داستانی پیشینه ای دارد که تاریخش از میانه قرن ۱۹ میلادی آغاز می شود. ولی قصه نویسی در ادبیات کشورهای فارسی زبان، تاریخ خیلی زیادی دارد و مردم شناسان و ادب پژوهان بر این عقیده اند که «از زمانی که به ضمیر انسان اندیشه و اجرای اعمال عبادی پیدا شد تمام هنرها پدیدار گردید، از جمله داستان نویسی که یکی از نیازهای اندیشه ای و تفکری بشر است» نخستین داستان‌ها نقش وسیعی در همه جنبه های مختلف زندگی انسان داشتند از جمله: ارتباط مردم با یکدیگر، عبادت، انتقال تجربه، تسکین روان آن‌ها در زندگی. این داستان‌ها حالت هایی از اسطوره های شفاهی هستند که به صورت نامتمرکز و سینه به سینه نقل شده اند و به مرور زمان تغییر و تحول یافته و به صورت مکتوب به دست امروزیان رسیده اند. اما قصه نویسی یا همان ادبیات داستانی همزمان با تحول فکر و اندیشه و تحولات فرهنگی، اجتماعی دچار تغییرات زیادی شد که این امر وابسته به جهان بینی افراد آن جامعه بود. «انسان یعنی، نگرش وی نسبت به خود، خدای خود و زندگی خود و همین نگرش باعث تحولات اساسی در

داستان نیز می شود که باعث تغییر قالب های داستانی و پیدایش انواع جدید داستان شده است، مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از این تحوّل در اندیشه و جهان بینی است»  
می توان تأکید نمود، که هر آنچه تا به حال پیش از این در موارد هنری و تاریخی نثر فارسی گفتیم فقط مختص ادبیات ایران نبوده و بلکه خاص همه ادبیات فارسی زبانان، از جمله ادبیات تاجیک هم بوده است. می توان گفت اصطلاح ادبیات نو فارسی تاجیکی در تاجیکستان از دهه ۳۰ میلادی به کار گرفته شده است. ادبیات تاجیکی از بعضی جهت ها به ادبیات قرن ۱۶ میلادی دوره صفویه شباهت های زیادی دارد و از همه مهم تر ارتباط این دو حوزه ادبی ماوراء النهر و ایران است که هیچ وقت به طور کلی از هم نگسسته است. پژوهشگران تاجیکی خصوصیات ادبیات تاجیک را چنین وصف می کنند. میل به واقعیت تاریخی، ساده گرایی و توجه به لحن گفتار عامیانه. از قرن ۱۶ به بعد اهل هنر را در برابر ادامه مضمون های سنت های سابق می بینیم، نمایه هایی چون عرفان و عشق و تمثیل های رمزی که در ادبیات این دوره بازتاب کم رنگی دارند. با اینکه ادبیات تاجیکی ساده فهم بود اما در آیام بیداری و دوران روشنگری، زمان ثابت نمود که بایستی از خیال پردازی های غیر واقعی دست کشید و به مسائل زندگی واقعی مردم، مشخصات روزگار فردیت انسان پرداخت و آثاری تألیف نمود که جوابگوی نیازهای ایشان و مطابق با زبان آنها باشد. این ادبیات نو واقع گرایانه بود و به ادبیات نو داستانی دوران مشروطه ایران شباهتهای زیادی داشت. یکی از پیشگامان ادبیات نو تاجیکی صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) می باشد، که در «یاد ماضی» (نام شعری از صدر الدین عینی است) چنین نوشته است:

غافل از تاریخ اسلامی و احوال امم  
از حکایت های «زولابی» حکایت داشتم....  
بود جای روزنامه «زمچینامه» بر کفم  
با کمال شوق «ابومسلم» قرائت داشتم.

عینی در جای دیگر به جز از غیر واقعی و افسانه مانند بودن محتوای آثار نثر روایتی، همچنین از تکنیک و نگارش های نثر مکتوب و منشآت زمان خود، یعنی ابتدای عصر ۲۰ صحبت به میان آورده که جالب توجه بوده و همسانی هایی را از ادبیات داستانی تا مشروطه ایران را به خاطر می آورد. «در زمانهای آخر نثر نویسی گفته می شود، به تحریر انشاء مکتوبات مخصوص شده مانده بود بهترین منشی مکتوب نویس همان کسی حساب می یافت که مدعایی را به یک جمله افاده کردنش ممکن است، در دو صفحه با کلمه های قافیه دار پیچاند. مکتوب ها و انشاهای عیناً مثل "نکات بیدل" بود. ( و اما کوشش در رهایی یافتن از این همه پیچیده گویی و مرکب نویسی ها را سرور روشنگری تاجیکستان و آسیای مرکزی احمد دانش (۱۸۲۶-۱۸۹۷) آغاز نمود. صدرالدین عینی چنین اظهار داشته «نوادر الوقایع» احمد کله هر چند به خوانندگان زمان سویتی (دوران شوروی) دشواری کند هم در زمان جوانی ما بسیار ساده و ضد عنعنه های نثر نویسندگان آن زمان بود». عینی من بعد می نویسد، که میرزا عظیم سامی (۱۹۰۸-۱۸۳۸) «این شیوه را در نثر رواج می دهد، اما شریفجان مخدوم صدر ضیاء (۱۸۱۷-۱۹۳۲) انشاء، مکتوب و خاطرات خود را باز هم ساده تر و عامه فهم تر می نویسد» (۵۹، ۱۷۳).

این رویه در نوشته های عبدالرئوف فطرت (۱۹۳۸-۱۸۸۶) بیشتر رواج می یابد و توسط اثرهای او «مناظره» ۱۹۱۱، «بیانات سیّاح هند» ۱۹۱۲، نثر تاجیکی با لحن «لهجۀ بخارایی» و با سبک خاص و شیوۀ تازه‌ای وارد گردید، اما بنابر نظر صدرالدین عینی «رنگ ادبیات نو گرفتن زبان تاجیکی از عبدالرئوف فطرت آغاز می‌یابد» (۵۳۱، ۱۷۱). در نهایت صدرالدین عینی در مورد سبک کار خود چنین اظهار می کند: «من که در شعر طرفدار ساده نویسی بودم، تشبیه ها و کنایه، استعاره های خلقی را کار می فرمودم، در نثر هم از طرفداران راه ساده نویسان بودم» (۵۹، ۱۷۳). همین طور، در ادبیات داستانی فارسی زبانان از جمله تاجیکان آسیای مرکزی نیز جستارها برای به سبک زمان فردگرایی مطابق نمودن تألیفات ادبی سابقه معین دارد و آن نتیجه پیامد عمل های مهم سیاسی و فرهنگی و ادبی بوده است. اگر این عامل در ایران به نوگرایی ها در دوره قاجار و مشروطه مرتبط باشد، پس در آسیای مرکزی و ادبیات تاجیکی به واقعه های سیاسی این دوران- پیوستن آسیای مرکزی به روسیه (۱۸۸۶) و به کشورهای بیرون از طریق تجارت و حج و سیاحت و سفر کردن مردم بخارا، تأثیر انقلاب های روسیه (۱۹۰۷-۱۹۰۵)، ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶)، ترکیه (۱۹۰۷) - ارتباط بی واسطه داشته است. به این معنی، آغاز نثر نوین تاجیکی، همچنین ادبیات نو آن را می توانیم به ظهور دوران معارف پروری «روشنگری» وابسته بدانیم. این دورانی بود، که اهل علم ادب و روشنفکران تاجیکی در تأثیر افکار سیاسی و ادبی شرق و غرب به اندیشه اصلاحات جامعه عقب مانده و غفلت زده آسیای مرکزی (امارات بخارا و ژنرال گوبرناتوری ترکستان) افتادند. در همین ایام افکار روشنگری به آسیای مرکزی از هر جانب چه از ایران و هندوستان، ترکیه و مصر و چه از روسیه وارد می گردید.

### بانکداری بدون بهره در نظریه و عمل

بانکداری بدون بهره و ربا یا بانکداری اسلامی در نظریه و عمل در حقیقت نوعی مهندسی اقتصادی است برای تغییر دادن بانکداری متعارف در جهت حذف بهره از آن به سخن دیگر، این نوع بانکداری محصول اصیل و درونزای فرهنگ و تمدن اسلامی نیست بلکه ابداع جدیدی برای رفع برخی نگرانی‌ها درباره شبهه ربوی بودن بانکداری مدرن است. این ابداع جدید پیش و بیش از اینکه ریشه در اسلام داشته باشد متأثر از عوامل بیرونی است یعنی تا زمانی که مسلمانان در تماس با جوامع غربی و بانکداری آنها قرار نگرفته بودند ضرورت بانکداری اسلامی احساس نشده بود. بنابراین، اولین شرط مهندسی صحیح برای برپاساختن بانکداری جایگزین اسلامی، شناخت دقیق ساختار و کارکرد بانکداری متعارف است زیرا بدون چنین شناختی واضح است که جایگزین درستی نمی تواند طراحی شود. وجه مشترک همه نظریه پردازان بانکداری بدون بهره، جایگزین کردن نظام مشارکتی و کنار نهادن نظام مبتنی بر وام‌دهی به استثنای قرض الحسنه در بانکداری متعارف است. اما عمده ترین فعالیت بانکداری متعارف متمرکز بر بازارهای پولی است. بازارهایی که اساسا ساختار و عملکرد آنها با نظام مشارکتی متفاوت است. ساختار یک بانک تجاری متعارف از سپرده گذاری از یک سو و وام‌دهی از سوی دیگر تشکیل شده است و کارکرد آن تنظیم عرضه و تقاضا در بازار پولی است. روابط اقتصادی و حقوق حاکم بر سپرده گذاری و وام‌دهی هیچ سنخیتی با روابط مشارکتی (شراکت در سود و زیان فعالیت اقتصادی) ندارد. از این رو، از آغاز می توان گفت که بانک تجاری مشارکتی تناقض در کلام است و به صورت عملی نمی تواند جایگزین بانکداری متعارف شود. (نوراحمدی، ۱۴۰۰)

آدام اسمیت برخلاف مرکانتیلیست‌ها که مقدار طلا و نقره (پول) در هر جامعه را ملاک ثروتمند بودن آن می‌دانستند میان پول و کالاهای دیگر تمایز قائل می‌شود و می‌گوید، پول چرخ بزرگی است که کالاهای دیگر به وسیله آن حمل می‌شوند. پول وسیله مهم تجارت است و همانند دیگر وسایل تجارت گرچه بخش بسیار ارزشمندی از سرمایه جامعه را تشکیل می‌دهد اما هیچ بخشی از درآمد جامعه‌ای نیست که به او تعلق دارد. پول در جریان حرکت سالانه خود درآمد هر کسی را که به درستی به وی تعلق دارد در اختیارش قرار می‌دهد. اما خود هیچ بخشی از این درآمد نیست. ویژگی مهم پول در همین است: در عین حال که سرمایه ارزشمندی است، اما مانند کالاهای دیگر هیچ ارزش مصرفی بجز اینکه ابزار تجارت است ندارد. درست است که آدام اسمیت پول را دارای ارزش مصرفی همانند کالاهای معمولی نمی‌داند اما معتقد است که پول همانند هر ابزار تجاری و سرمایه می‌تواند منشاء ایجاد درآمد باشد از این رو، در همه جای دنیا حاضرند برای در اختیار داشتن آن بهره بردارند و چون با ممنوعیت بهره نمی‌توان خاصیت درآمدزایی پول را از بین برد چنین تدابیری هیچگاه موثر واقع نمی‌شوند. به عقیده اسمیت هر جا که قانون ممنوعیت بهره جاری شده، نرخ بهره نه تنها از بین نرفته، بلکه به علت بالا رفتن ریسک وام افزایش نیز یافته است. (قلیچ، 1401)

بانک‌های اسلامی به حکم شرع مکلفند که همان اصول مشارکت در سود و زیان را در مورد عملیات وام‌دهی خویش نیز اعمال کنند. دو روشی که رعایت موازین تکلیف شرعی را در مورد وام‌دهی کاملاً تأمین می‌کند ترتیبات مضاربه و مشارکت است. این تناقض در گفتار که توصیه می‌کند در وام‌دهی اصول مشارکت رعایت شود در واقع حاکی از یک تناقض عمیق مفهومی است. قرارداد یا وام‌دهی است یا مشارکت. وام‌دهی مشارکتی که اساس به اصطلاح بانکداری بدون بهره را تشکیل می‌دهد در حقیقت یک تناقض عقلی است. این تناقض عقلی غیر قابل توجیه از لحاظ تحلیل نظری اقتصادی در عمل از طریق یک ترفند حقوقی حل و فصل می‌شود. تقاضای وام را در قالب حقوقی مشارکت قرار می‌دهند و در مواردی که این کار امکان‌پذیر نیست عقود قابل قبول شرعی دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه پردازان بانکداری بدون بهره می‌نویسند در مواردی که مشارکت در سود و زیان قابل اجرا نیست مثلاً وام‌گیرندگان جزء یا مورد وام‌های مصرفی ابزارهای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی دیگری برای بانک‌ها وجود دارد که از آن جمله است فروش اقساطی پیش خرید قرض‌الحسنه و دریافت کارمزد. نکته قابل توجه در این نقل قول تناقض میان مفهوم «وام‌گیرندگان» ابزارهای تأمین مالی و برخی عقود قابل قبول شرعی است. اینجا عمل وام‌دهی در قالب عقود تجاری غیرمشارکتی صورت می‌گیرد و به همین لحاظ شباهت زیادی به وام‌دهی با بهره دارد. البته باید تأکید کرد که آوردن قرض‌الحسنه تحت عنوان ابزارهای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی کاملاً نادرست است و قرض‌الحسنه یک اقدام خیرخواهانه و فارغ از قصد تجاری اصولاً هیچ جایی در نظام بانکی ندارد. نگاهی به عملکرد بانکداری مشارکتی و تجربه کشور ما در این باره می‌تواند روشنگر تناقضاتی باشد که در عمل بانکداری بدون بهره با آنها روبه‌رو است و در حقیقت ریشه در مبانی نظری دارد که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد. از همان آغاز تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) معلوم شد که یکی از مهم‌ترین اصول بانکداری مشارکتی یعنی جایگزین کردن نظام سهامداری به جای سپرده‌گذاری معمولی بانک‌های متعارف دنیا ناممکن و غیرقابل اجرا است. از منظر نظریه‌پردازان بانکداری بدون بهره تفاوت عمده و اصلی بین بانکداری سنتی در مجاز ندانستن یا دانستن بهره نیست تفاوت مهم و بارز در این است

که نظام اسلامی سپرده‌ها را به عنوان سهام تلقی می‌کند و از این رو ارزش اسمی آنها را تضمین نمی‌کند. در صورتی که در نظام بانکداری سنتی سپرده‌ها توسط بانک یا دولت تضمین می‌شود. این تفاوت عمده و اصولی به عللی که گمان می‌رود اساساً از نوع اجرایی باشد در قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که رعایت نمی‌شود. (احمدوند، ۱۴۰۱)

در عرف اقتصادی، بانک متفاوت از شرکت سرمایه‌گذاری است و سپرده‌گذاران به منظور مشارکت به بانک‌ها رجوع نمی‌کنند و هدف آنها عمدتاً نگهداری دارایی‌های نقدی و ممانعت از به خطر افتادن آنها است. از این رو ایجاد اطمینان در سپرده‌گذاری، اولین اصل بانکداری است درست است که بانک‌ها برای تشویق به سپرده‌گذار بیشتر به حساب‌های پس‌انداز بهره می‌پردازند البته بهره‌ای با نرخ پایین‌تر از نرخ سود یا میانگین سرمایه‌گذاری اما با این کار سپرده‌گذاران را به هیچ وجه در خطر فعالیت‌های سودآور اقتصاد خود شریک نمی‌داند. از سوی دیگر بانک‌ها هنگام وام دادن و کسب درآمد برای خود با احتیاط کامل عمل می‌کنند. یعنی با قانع شدن به درآمد کمتر، اخذ وثیقه و مطالعه دقیق طرح‌ها، فقط به دادن وام‌های مطمئن اقدام می‌کنند. احتراز از سرمایه‌گذاری مستقیم و اکتفا به وام دادن توأم با وثیقه از ضروریات بانکداری تجاری به منظور رعایت اصل احتیاط و ایجاد اطمینان در سپرده‌گذاران است. در هر صورت تضمین سپرده‌ها در قانون بانکداری بدون بهره، در واقع یک گام به سوی بانکداری متعارف دنیا بود و نشان می‌داد که چگونه نظریه بانکداری مشارکتی در عمل غیرقابل اجرا است. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد نظریه پردازان بانکداری بدون بهره تأکید بر این داشتند که اساس بانکداری اسلامی باید نظام مشارکتی باشد و تنها در مواردی که مشارکت در سود و زیان قابل اجرا نیست مثلاً وام‌های جزئی با وام‌های مصرفی از ابزارهای دیگری مانند فروش اقساطی و غیره استفاده شود. اما تجربه دو دهه بانکداری بدون بهره در ایران واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. با گذشت زمان سهم عقود غیرمشارکتی به ویژه فروش اقساطی در کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها به شدت افزایش یافته و سهم عقود مشارکتی رو به کاهش نهاده است. بانکداری بدون بهره به جای آنکه براساس اصل مشارکت در سود و زیان فعالیت کند به طور فزاینده‌ای به سوی عقود غیرمشارکتی سوق پیدا کرده و رفتاری مشابه نظام بانکداری متعارف در آن غلبه یافته است. این واقعیت دلیلی بر این مدعا است که بانکداری با شیوه مشارکت در سود و زیان ناسازگار است و نهادهایی که می‌خواهند کار بانکی انجام دهند ناگزیر از ترک شیوه‌های مشارکتی هستند. در آغاز این نوشته اشاره شد که ضرورت طراحی نظری و عملی بانکداری بدون بهره به عنوان جایگزینی برای بانکداری متعارف از این فرض اولیه ناشی شده است که بهره بانکی در اقتصادهای امروزی همان وضعیت و کارکرد ربای ۱۴ قرن پیش در صدر اسلام را دارد. به‌رغم شباهت ظاهری میان بهره بانکی و ربای محرم صدر اسلام، می‌توان نشان داد که این دو مفهوم به دو دستگاه معرفتی کاملاً متفاوت تعلق دارد و یکسان انگاشتن آنها یک خلط معرفت شناختی است. اگر درستی این ادعا را بپذیریم دیگر دلیلی به جاری ساختن حکم ربا به بهره بانکی نخواهد بود و بهره بانکی به عنوان یک پدیده و مفهوم جدید، در صورت لزوم حکم جداگانه خواهد داشت گرچه فقدان بانک به عنوان نهاد مالی و واسطه جوه در عصر جاهلیت و صدر اسلام از بدیهیات تاریخی است، اما چون برخی حتی به همین بدیهیات نیز معترض شده‌اند بهتر است استدلال خود را با توضیح بانک به عنوان یک پدیده و مفهوم جدید آغاز کنیم. در بالا اشاره شد که ضرورت طراحی نظری و عملی بانکداری

بدون بهره به عنوان جایگزینی برای بانکداری متعارف از این فرض اولیه ناشی شده است که بهره بانکی در اقتصادهای امروزی همان وضعیت و کارکرد ربای ۱۴ قرن پیش در صدر اسلام را دارد. بهرغم شباهت ظاهری میان بهره بانکی و ربای محرم صدر اسلام، می‌توان نشان داد که این دو مفهوم به دو دستگاه معرفتی کاملاً متفاوتی تعلق دارد و یکسان انگاشتن آنها یک خلط معرفت شناختی است. اگر درستی این ادعا را بپذیریم دیگر دلیلی برای جاری ساختن حکم ربا به بهره بانکی نخواهد بود و بهره بانکی به عنوان یک پدیده و مفهوم جدید، در صورت لزوم حکم جداگانه خواهد داشت گرچه فقدان بانک به عنوان نهاد مالی و واسطه وجوه در عصر جاهلیت و صدر اسلام از بدیهیات تاریخی است، اما چون برخی حتی به همین بدیهیات نیز معترض شده‌اند بهتر است استدلال خود را با توضیح بانک به عنوان یک پدیده و مفهوم جدید آغاز کنیم. (طاهری، ۱۴۰۱)

برخلاف تصویری که در بسیاری از نوشته‌های منتقدان نظام بانکی متعارف ارائه می‌شود، بانکداری نوین از لحاظ تاریخی در تداوم و در طول پدیده رباخواری به وجود نیامد، بلکه مستقل از آن و در جهت نفی و نابودی آن در اروپا شکل گرفت. منشا بانکداری نوین در اروپا صرافی‌های بازارهای مکاره قرون وسطی بود و واژه بانک که در اصل به معنای نیمکت یا میز است برگرفته از جایگاه صرافها در این بازارها است. صرافهای ایتالیایی که برای اولین بار عنوان بانکدار بر خود نهادند با گسترش فعالیت‌های خود به سپرده‌پذیری و وام‌دهی، موسسات کاملاً جدیدی را پدید آوردند که سابق بر آن، وجود نداشتند. این موسسات به نیازها و ضرورت‌های اقتصادی و تجاری جدید از طریق جمع‌آوری پس‌اندازهای مردمی و هدایت آنها در جهت گسترش فعالیت‌های تولیدی پاسخ می‌دادند. علاوه بر آن، به فعالیت کاملاً بدیهی می‌پرداختند که همان خلق پول اعتباری است. همچنان که مارکس در جلد سوم کتاب «سرمایه» می‌نویسد: توسعه موسسات جدید بانکی عکس‌العمل علیه وام ربوی و رباخواری بود. این موسسات جدید، انحصار سرمایه ربوی را با عرضه وسیع ذخیره‌های پول در هم شکستند و با ایجاد پول اعتباری، انحصار فلزات قیمتی را به عنوان تنها شکل پول از بین بردند. (غروی، ۱۴۰۲) ایجاد نظام بانکی متشکل و «بانک انگلستان» در اواخر قرن هفدهم، اعلان جنگی بود علیه زرگراها و وام‌دهندگان ربوی. هواداران و سازمان‌دهندگان نظام اعتباری و بانکی جدید، رباخواران را بلای جان ملت و بدتر از دشمنان خارجی می‌دانستند. واقعیت این است که جوامع مسیحی نیز همانند جوامع اسلامی ربا را به‌عنوان یک پدیده مذموم و ظالمانه همیشه محکوم کرده‌اند با این تفاوت که آنها با رشد موسسات بانکی و اعتباری در درون نظام اقتصادی خود، میان بهره بانکی و ربا تفکیک قائل شده‌اند. با شکل‌گیری بانکداری جدید یک بازار متشکل رقابتی برای سرمایه نقدی (پول) به وجود آمد که در آن قیمت این عامل تولیدی مهم فارغ از هرگونه اراده خاص و انحصار، بر حسب عرضه و تقاضای پول و نیز سایر شرایط اقتصادی تاثیرگذار معین می‌شد. این قیمت (نرخ بهره) مانند قیمت هر منبع کمیاب دیگری در بازار رقابتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت تصمیم‌های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع دارد. واضح است که بهره بانکی به این اوصاف نه تنها ظالمانه نیست و موجب به هم خوردن نظم و انسجام اجتماعی و اقتصادی نمی‌گردد، بلکه پدیده‌ای ضروری و مفید در نظام‌های اقتصادی رقابتی جدید است حال آنکه ربا وضع دیگری داشت یعنی به علت فقدان بازارهای رقابتی نرخ آن به طور انحصار از سوی وام‌دهنده به وام‌گیرنده تحمیل می‌شود. به علاوه اینکه به علت نبودن بازارهای رقابتی متشکل، به هیچ‌وجه نمی‌توانست نقش مهم اطلاع‌رسانی را در کل نظام اقتصادی

داشته باشد. به همین علت در اندیشه اروپاییان رفته رفته ربا به عنوان پدیده‌ای متعلق به دنیای دیگر که دوران آن گذشته است تلقی می‌شد و همانندسازی میان این بازمانده مذموم دنیای کهن و پدیده مدرن بهره بانکی که کارکرد متفاوت و مفیدی داشت دیگر صورت نمی‌گرفت. (درویشی، ۱۴۰۱) آنچه در این اشاره کوتاه به تاریخچه پیدایش بانکداری در اروپا باید مورد تاکید قرار گیرد این است که با فراگیر شدن نظام اقتصادی مبنی بر بازارهای رقابتی و در چارچوب آن و بر حسب نیازهای آن بود که بانکداری و سیستم‌های اعتباری مدرن شکل گرفتند. ضرورت وجود بانک‌ها به عنوان موسسات جدید واسطه وجوه ناشی از توسعه بازارهای پولی خود نتیجه فراگیر شدن اقتصاد بازار و رسوخ و سلطه آن بر همه زوایای زندگی اقتصادی مدرن است. بنابراین، سخن گفتن از بانکداری در دنیای کهن که در اقتصادهای سنتی کشاورزی آنها، بازارها نقش ناچیز و حاشیه‌ای داشتند، مسامحه در کلام و فاقد مبنای علمی است. از این واقعیت که در برخی جوامع کهن مردم اموال خود را به معبدها می‌سپردند و کاهنان از قبل این اموال وام‌دهی ربوی می‌کردند، به هیچ‌وجه وجود بانکداری در دنیای کهن را نمی‌توان نتیجه گرفت. به‌رغم شباهت ظاهری میان رفتار معبد کهن و بانک جدید تفاوت ماهوی میان نقش اهمیت و کارکرد آنها وجود دارد نقش حاشیه‌ای و ناچیز وجوه نقدی در اقتصادهای معیشتی و کشاورزی دنیای کهن که در آنها تصور بازارهای پول متشکل غیرممکن است با نقش و اهمیت گردش وجوه نقدی در اقتصادهای مدرن مبتنی بر نظام بازار که در آنها تصور فقدان بازارهای پولی متشکل غیرممکن است. قابل‌مقایسه نیست چه رسد به اینکه آنها را همانند بدانیم. اینک در دوران جاهلیت کسانی بودند که از یک طرف قرض با بهره می‌گرفتند و از طرف دیگر آن را با بهره بیشتری قرض می‌دادند و تنها منبع درآمدشان همین بود نمی‌توان این نتیجه را گرفت که گروهی در زمان جاهلیت قبل از اسلام همانند بانک‌های امروزی عمل می‌کردند. شباهت ظاهری میان فعالیت‌های گروهی از مردم در عصر جاهلیت با بانکداری امروزی نباید به القای این شبهه بیانجامد که فعالیت‌های بانکی در آن زمان رواج داشت و مفاهیم آن در جامعه شناخته شده بود. این گونه القای شبهات، همان گونه که در جای دیگری اشاره کرده‌ایم، ناشی از اشتباهات فاحش معرفت‌شناختی است. (اسراری، ۱۴۰۰)

#### پیشینه تحقیق

مدنی گرکانی و صفر (۱۴۰۲) در مقاله ای به تبیین آثار اقتصادی و اجتماعی ربا با تاکید بر نقش ادبیات فارسی (مطالعه موردی: آثار مؤلفان ایران و تاجیکستان پرداختند. موضوع پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی اثر صدرالدین عینی با عنوان «مرگ سودخور» یا همان ربا خور، و از سوی داستان «حاجی آقا» اثر صادق هدایت است، که به اتکاء تشابه و تضاد و همچنین استعاره های بکار رفته در هریک از این تألیفات در رابطه با آثار منفی اقتصادی و اجتماعی ربا به اشتراکات فرهنگی و مذهبی هر دو ملت ایران و تاجیکستان در این خصوص اشاره شود، «مرگ سودخور» صدرالدین عینی در ادبیات تاجیکی زمان شوروی سابق به عنوان بهترین اثر واقع‌گرایانه در پیشبرد و بالا رفتن ارزش نثر مدرن تاجیکی مساعدت‌ها نموده است. «حاجی آقا» صادق هدایت نیز از آثار استثنایی است، که از طرز و شیوه خاص مؤلف، هنر واقع‌گرایانه او گواهی می‌دهد. و این آثار نه تنها اثرهای با ارزش این ادبیات‌ها شناخته شده‌اند، بلکه بیانگر سبک و روش خاص، بخصوص نمونه بارزی از مکتب واقع‌گرایی در نثر فارسی‌زبانان

بشمار می‌آیند. پس می‌توان گفت، که ادبیات فارسی تاجیکی و ایرانی لایق این است که از دیدگاه مقایسه‌ای و تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد تا عمومیت و وجوه اشتراکی، که در آنها هست، آشکار گردد. اساس متدولوژی این تحقیق تحلیل تاریخی-مقایسه‌ای می‌باشد. تطبیق یا مقایسه منبع سرشار از منابع معرفت بشری است. انسان در بررسی‌های مختلف و متنوع خود مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به حوزه‌های پژوهش خود برگزیده است». اهمیت نقد تطبیقی بدان جهت است، که از سرچشمه‌های جریانهای فکری و هنری ادبیات پرده بر می‌دارد. نتیجه تحقیق حاضر نشان گر آن است که داستان‌های مذکور پیش از همه، از جهت مضمون و محتوا و مسائل مورد تصویر به هم شباهت‌های زیادی دارند. نویسندگان موضوع سودخوری (ربا خواری) در آسیای مرکزی و ایران را به تصویر کشیده و ماهیت مضر آن را در حیات اقتصادی و زندگی مردم نشان می‌دهند. احمدوند و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی وضعیت و عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی پرداختند نتایج حاکی از آن بود که بانکداری اسلامی، با تخصیص منابع پولی، بلار مبنای تولید و کارایی اقتصادی، به طور مستقیم، در توزیع عادلانه درآمد ملی و توسعه اثرگذار است

ملکی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران پرداختند نتایج حاکی تسهیلات قرض الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار، تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد و شرایط کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فراهانی فرد، نظریور، بایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی (مطالعه موردی بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۷)»، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها (مدل) به دنبال اثبات این فرضیه است که کارایی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی در برابر بحران مالی (۲۰۰۷-۲۰۰۹) بیشتر است. و سپس با برآورد کارایی ۱۰۰ بانک در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با استفاده از مدل که از این تعداد ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی (خاورمیانه) بوده است، نشان می‌دهند بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیراسلامی طی سال‌های بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ کارایی بیشتری داشته‌اند.

لدهم و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی بانکداری اسلامی برای فعالیت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار دادند تحلیل پارامتریک ونا پارامتریک از سنگاپور پرداختند تأمین مالی اسلامی برای فعالیت‌های کارآفرینی، باعث ارتقای رشد اقتصادی در سنگاپور می‌شود که نشان می‌دهد تأمین مالی اسلامی، از طریق تأمین مالی حوزه‌های کارآفرینی شرکت‌های کوچک و متوسط، سهمی حیاتی در رشد اقتصادی دارد.

دینو و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی نقش بانکداری اسلامی در کارآفرینی مورد بررسی قرار دادند کلید شکوفایی و اشتغال جهانی وظیفه توسعه کارآفرینی و تأمین مالی، بر عهده چندین دستگاه و مؤسسه است که بانک‌ها مهم‌ترین آنها هستند. علاوه بر این، توسعه کارآفرینی نیاز روز است؛ بنابراین، مسئولان و بان‌کها باید خود را فعالانه در این امر مشارکت دهند

القهنانی و مایز (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی ثبات مالی بانکداری اسلامی با وجود بحران مالی جهانی طی بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ و مدل پانل برای ۷۶ بانک نمونه پرداختند. نتایج مطالعه گویای این مطلب می‌باشد؛ زمانی که شوک و بحران‌های مالی در فازهای بعد در اقتصاد واقعی گسترش می‌یابد، بانک‌های اسلامی به میزان

قابل توجهی از بی ثباتی مالی نسبت به بانک های متعارف رنج می بردند. این نتایج برای بانک های بزرگ اسلامی نسبت به بانک های کوچک صادق تر است و بانک های کوچک اسلامی بهتر می توانند خود را با شرایط بحرانی وفق دهند. بنابراین طبق نتایج مطالعه، بانک ها زمانی که در مقیاس کوچک انجام فعالیت می کنند، از ثبات لازم برخوردار می باشند.

تباش و دانکار (۲۰۱۵) در مطالعه خود، همبستگی بین توسعه مالی بانکهای اسلامی و رشد اقتصادی را در امارات متحده عربی بررسی کردند. به این منظور از اطلاعات سری زمانی طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد تأمین مالی بانکهای اسلامی به افزایش سرمایه گذاری در بلندمدت در امارات کمک می کند.

### روش تحقیق

اساسهای متادولوژی تحقیقات تحلیل تاریخی-مقایسه ای می باشد. هنگام تحقیق و بررسی به اندیشه های نظری و اصولی محققان برجسته ایرانی و تاجیکی و خارجی چون ارژ بیچکا، ا. س. برگینسکی، د. کامیسارف، م. شکوری، ن. معصومی، ص. تبراف، ع. سیف الله یف، خ. عصازاده، ع. گچارف، سعید نفیسی، شفیع کدکنی، اسماعیل آذر، عبدالعلی دستغیب، سیروس شمیسا، حسن عابدینی، حمید عبدالهیان، جمال میرصادقی، رضا براهنی، هوشنگ اتحاد، علی اصغر شعر دوست و... تکیه شده است. در تحقیقات این دانشمندان اساسهای کلی و دستوری نقد تطبیقی که در ایران آن را به عنوان ادبیات تطبیقی می شناسند، به شکل درآمده و صورت آن معین گردیده است. تطبیق یا مقایسه منبع سرشار از منابع معرفت بشری است. انسان در بررسی های مختلف و متنوع خود مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به حوزه های پژوهش خود برگزیده است «اهمیت نقد تطبیقی بدان جهت است، که از سرچشمه های جریانهای فکری و هنری ادبیات پرده بر می دارد. اصلاً نقد تطبیقی تاریخ قریب دوصدساله دارد. نقد تطبیقی که به آن «ادبیات همگانی» نیز گفته می شود، علمی است، که در فرانسه بنیاد گذاشته شده، عبارت است از مطالعه و بررسی مقایسه آثاری، که برخاسته از زمینه های فرهنگ گوناگونند.

### تجزیه و تحلیل داده ها و یافته ها

مفاهیم، به ویژه مفاهیم علمی در چارچوب دستگاه های مفهومی خاص خود باید مورد تفسیر قرار گیرند. منظور از اشتباهات معرفت شناختی عبارت است از خلط میان، مفاهیم متعلق به دو دستگاه فکری متفاوت به علت اشتراک لفظی یا شباهت ظاهری میان آنها بهره بانکی بدون تصور نظام بانکی و این خرد بدون فرض وجود بازار پولی و اساساً نظام اقتصادی متشکل از بازارها غیرقابل تصور است. کدام مورخ جدی اقتصاد تاکنون توانسته این ادعا را مطرح کند که ربای دنیای قدیم و عصر جاهلیت پیش از اسلام پدیده ای متعلق به نظام بانکداری، بازار پولی و کلا نظام اقتصادی مبتنی بر بازار رقابتی بوده است. این ادعا که بهره بانکی همان ربا است نمی توان صرفاً متکی به شباهت ظاهری و لفظی باشد. برای اثبات این ادعا باید نشان داد که کارکرد و مفهوم بهره بانکی در اقتصادهای مدرن اساساً همانند همان کارکرد و مفهومی است که ربا در جوامع باستانی و عصر جاهلیت داشته است. بهره

بانکی در اقتصادهای امروزی قیمت دارایی نقدی در بازار پولی است و مستقل از اراده خاص عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان معین می‌گردد. این نرخ گویای هزینه به کار گرفتن سرمایه نقدی است که بدون معلوم بودن آن تصمیم‌گیری عقلایی درباره شیوه‌های تولیدی در نتیجه تخصیص بهینه منابع ناممکن است. تصور عمومی اهل علم و عوام از بهره بانکی ناظر بر تحمیلی و ظالمانه بودن آن نیست. بهره بانکی قیمت منبع کمیابی تلقی می‌شود که استفاده از آن مستلزم پرداخت هزینه است و ظلم و اکراه در آن جایی ندارد. آیا ربا نیز از چنین منزلتی در واقعیت اندیشه جوامع قدیمی برخوردار بود؟ آیا چاقویی که در شرایط معین صرفاً به منظور قتل، غارت و ظلم به کار می‌رود دارای همان شان و منزلتی است که در دست یک جراح متبحر جان بیماران را نجات می‌دهد؟ آیا به صرف اینکه هر دو چاقو است مشمول یک حکم اخلاقی و ارزشی می‌شوند؟ کسانی که تعریف صرفاً صوری از ربا می‌کنند مضمون واقعی آن را در نظر نمی‌گیرند، مرتکب چنین اشتباهی می‌شوند. طبق احادیثی که از امامان معصوم نقل شده علت تحریم ربا این است که مردم از اقدام به معروف امتناع نکنند. از تجارت‌ها و فعالیت‌های موردنیاز عمومی رو نگردانند و اموال تلف نشود. بنابراین، ربا عملی است که به ظلم، فساد و اخلال در روابط میان انسان‌ها می‌انجامد. تعریف‌های صوری از ربا که در حقیقت بیان حقوقی (فقهی) در چارچوب واقعیت عرفی یک جامعه معین است. الزاما در برگیرنده این معنای ظلم فساد و اخلال نیست. مثلاً ربای قرضی را معمولاً این گونه تعریف کرده‌اند: «هرگونه اشتراط زیاده در قرض و یا هر قرضی که منفعتی را جلب کند». واضح است که برای درک حکم به این تعریف‌های انتزاعی نمی‌توان اکتفا کرد و باید به شرایط تاریخی انضمامی که این حکم در آن جاری شده است و دستگاه مفهومی حاکم بر آن رجوع کرد (موسویان، ۱۴۰۰)

بانکداری بدون بهره به عنوان جایگزین اسلامی برای بانکداری متعارف دنیای امروز از لحاظ نظری گرفتار تناقض‌ها و اشتباهات مفهومی لاینحل است که در عمل یعنی هنگام به اجرا گذاشتن آن خود به صورت معضلات و مشکلات اجرایی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که سرچشمه اشتباهات خلط مفاهیم به علت شباهت‌های ظاهری پدیده‌های و اشتراکات لفظی است و این خود ناشی از دقت نکردن در ساختار و عملکرد نظام اقتصادی و غفلت از تفاوت‌های اساسی آن با نظام‌های اقتصادی دنیای قدیم است. یکسان دانستن ربا که در نظام اقتصادی دنیای قدیم و دستگاه مفهومی آن، که در آن نه تنها چنین ویژگی‌هایی بر آن مترتب نیست بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است به تناقض‌ها و نفی بدیهیات در نظر و ظاهرسازی و دردسر در عمل منتهی شده است. نظریه پردازان بانکداری بدون بهره برای اثبات فرض نادرست خود یکسان دانستن ربا و بهره بانکی ناگزیر به نفی بدیهیات و تایید تناقض‌های عقلی پرداخته‌اند. تصور پول به عنوان وسیله مبادله معادل عمومی کالا در حقیقت تصدیق آن به معنای ذخیره ارزش است و آنهایی که تصور اولیه را می‌پذیرند و تصدیق بعدی مربوط به آن را رد می‌کنند و در حقیقت به نفی یک امر بدیهی عقلی پرداخته‌اند. (عبداللهی پور، ۱۴۰۰)

### نتیجه‌گیری

بانک‌ها از مهمترین نهاده‌های بازار پول در تامین منابع مالی بخش‌های مختلف اقتصادی کشورها محسوب می‌شوند. به گونه‌ای که منابع مالی را از کسانی که دارای مازاد این منابع هستند؛ یعنی پس‌اندازکنندگان بدست

کسانی می‌رسانند که کمبود منابع مالی دارند (مانند سرمایه‌گذاران)؛ در نتیجه بانکها باعث افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و بهبود رشد اقتصادی می‌شوند. در این میان، بانکداری اسلامی یکی از رو به رشدترین بخش‌های صنعت بانکداری بشمار می‌آید که بدلیل مزیت‌های عمده‌ای نظیر پرهیز از بهره در دریافت وام‌ها یا پرداخت آن به سپرده‌ها و نیز استفاده از عقود اسلامی و شرعی در تجهیز منابع سپرده‌گذاران و همچنین تخصیص منابع به سرمایه‌گذاران، در مقایسه با بانکداری متعارف، از زمان پیدایش مورد توجه پژوهشگران بوده است. بانکداری اسلامی بر مبنای اصل مشارکت در سود و زیان شکل گرفته و بیشتر بر بخشهای حقیقی اقتصاد و سرمایه‌گذاری در این بخشها تاکید می‌نماید. کوشش مقایسه‌کردن واقعه‌ها و حوادث در دو ادبیات فارسی مدرن تاجیکی و ایرانی حالت طبیعی است زیرا در فرهنگ این دو ملت شباهت‌های بسیاری است، آداب و رسوم تاجیکان و ایرانی‌ها بسیار شبیه هم هستند، آن‌ها به زبان‌هایی حرف می‌زنند که این زبان از یک مجموعه و گروه زبانی اند خلاصه این که هر دو (ملت) میراث‌خور یک فرهنگ و ادب و علم و هنراند. این حالت را مقایسه‌تالیفات نویسندگان پیشرو این ادبیات‌ها همچون صادق هدایت و صدرالدین عینی بخصوص داستانهای حاجی آقا و مرگ سودخور ثابت می‌نماید. داستانهای مذکور پیش از همه از جهت مضمون و محتوا و مسائل مورد تصویر به هم شباهت‌های زیادی دارند. نویسندگان موضوع سودخوری در آسیای مرکزی و ایران را به تصویر کشیده و ماهیت مضر آن را در حیات اقتصادی و زندگی مردم نشان می‌دهند. از جهت مضمون و محتوا این دو داستان تا اندازه‌ای ادامه یکدیگرند یعنی حادثه و واقعه‌هایی پی در پی در هم را از زندگی مردم دو کشور فرا می‌گیرند. شباهت‌های داستان عینی و هدایت بخصوص در چهره شخصیت‌های اصلی آنها ظاهر می‌شود. قهرمان‌های دو داستان یک ویژگی مشترک دارند: تنگ‌نظری، که به طور ایده‌آلی مناسب موقعیت‌های ایجاد تضاد است، همان چیزی که مد نظر هجو است. هر دو شخصیت تظاهر به بی‌پولی می‌کنند و اگر مرگ به این معنی نباشد که ثروت جمع شده را بگذاری و بروی، از مرگ هم نمی‌ترسند. قاری و حاجی عیب‌های «کوچک» دیگر هم دارند. هر دو نمی‌توانند جلوی پرخوریشان را بگیرند (۴۴، ۱۱؛ ۴۲ و ۱۰۷، ۱) هر دو اثر تجسمی همراه با زندگی واقعی هستند و با جزئیات موشکافانه. هر دو اثر پر است از حقایق تاریخی. پس جدا از اینکه آنها مرجعی روانشناختی در آن دوره هستند می‌توان آنها را اسناد تاریخی بسیار مهمی، از نوع خاص، برای مورخان دانست. مبالغه‌های هجو آمیز به هیچ عنوان عامل بازدارنده‌ی مورخ نیست. چرا که او می‌فهمد که در این اثر چه چیز حقیقت است و چه چیز خیال پردازانه. صدرالدین عینی علاوه بر قاری، شخصیت‌های چند بعدی بسیاری را در مرگ سود خور خلق کرده که هر کدام نمونه‌ای از دردهای گوناگون اجتماعی هستند مثلاً: نایب، کارمند بانک، قاضی، کسی که حکم بر علیه بی‌گناهان صادر می‌کند در حالیکه به بی‌گناهی آنها واقف است اما او «طبق شریعت عمل» می‌کند، کفایت دو شاهد معتبر پیدا کند تا علیه متهمین شهادت بدهند و حکم صادر شود. هدایت هم یک سری شخصیت‌های کلاهبردار دارد، مثل: یک مقام رده بالای جاه طلب، روحانی که برای پول و نمود می‌کند که آدم مذهبی متعصبی است. هر دو شخصیت دائم به دنبال ارتباط با افرادی هستند که می‌خواهند با رشوه و زیرمیزی به مقصودشان برسند. قاری، حاجی و دیگر دوستانشان سمبلی از شیطان در جامعه هستند و به نظر هر دو نویسنده، همه آنها مرده‌اند و باید بمیرند. عینی سرنوشت قهرمان داستان را در خود عنوان داستان آورده، اگر چه حاجی تا صفحه آخر کتاب همچنان زنده است، سن او،

روبایه‌ایش و این مطلب که او یک عمل جراحی دارد، خواننده را وا می‌دارد تا فکر کند شاید او در آینده آدم بهتر می‌شود.

### فهرست منابع

- احمدوند علیرضا (1401) بررسی وضعیت و عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی» هفتمین کنفرانس بین‌المللی، مدیریت حسابداری و توسعه اقتصادی، تهران.
- اسراری داود (1400) ابزار و موقعیتهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی فصلنامه مطالعات نوین بانکی (۲) ۱۷۸-۱۵۹
- درویشی، مرتضی و نظری، رضا (۱۴۰۱) ارائه چارچوبی برای گزارشگری مالی بانکها در ایران با رویکرد بانکداری اسلامی فصلنامه اقتصاد مالی دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکز دوره دوره ۱۶، شماره ۶۱ - شماره پیاپی ۶۱ دی ۱۴۰۱ صفحه ۲۵۱-۲۷۲
- طاهری، ماندانا و امینی، یاسین (1401). نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۱)، ۳۸-۱.
- عبداللهی پور محمد صادق و بت شکن محمد هاشم (1400) راهکارهای بازسازی مالی بانکها در ایران مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۸(۴): ۲۰-۱
- عینی، صدرالدین. مرگ سودخور، استالین آباد: نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۶. - ۲۵۴ ص.
- عینی، صدرالدین. نمونه ادبیات تاجیک، به کوشش علی رواقی، تهران: سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۸۵. - ۳۷۲ ص.
- غروی سید فرشید، نقی لو، احمد (۱۴۰۲) اثرات اوراق قرضه اسلامی (صکوک) بر رشد اقتصادی بر اساس یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی DSGE فصلنامه اقتصاد مالی دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکز دوره ۱۷، شماره ۶۳ - شماره پیاپی ۶۳ تیر ۱۴۰۲ صفحه ۲۷۳-۳۱۲
- قلیچ، وهاب و امیری حسین (1401) بررسی ارتباط سنجی پژوهشهای بانکداری و مالی اسلامی با متغیرهای کلان اقتصادی مطالعه موردی فصلنامه اقتصاد اسلامی» اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۷): ۱۵۱-۱۲۱
- مدنی گرکانی، مرجان و صفر، عمر (۱۴۰۲) تبیین آثار اقتصادی و اجتماعی ربا با تأکید بر نقش ادبیات فارسی (مطالعه موردی: آثار مؤلفان ایران و تاجیکستان) فصلنامه اقتصاد مالی دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکز دوره ۱۷، شماره ۶۴ - شماره پیاپی ۶۴ مهر ۱۴۰۲ صفحه 319-341
- موسویان، سیدعباس مهربان پور محمدرضا و حشمتی، محمدرسول (1400). «آسیب شناسی و نقد وضعیت بانکداری ایران از منظر عدالت اقتصادی». مطالعات اقتصاد اسلامی ۱۱۲(۱): ۱۵۰-۱۲۱
- ندیری، محمد موسویان سیدعباس و نادری جلال (1400) بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری در بانکهای اسلامی اقتصاد، اسلامی ۱۹(۷۵): ۱۳۸-۱۰۹

- نوراحمدی، مرضیه و مهدوی، پارسا علی (1400) رتبه بندی بانکهای ایران از منظر حاکمیت شرکتی با تأکید به وضعیت هیئت مدیره و کمیته های آن دانش مالی تحلیل اوراق بهادار ۱۲(۴۱): ۲۲۸-۲۱۱
- هدایت، صادق. البعث الاسلامیه الی البلاد الافرنجیه، به کوشش بهرام چوبینه، پاریس: انتشارات سازمان جنبش ناسیونالیستی دانشگاهیان و دانش پژوهان و روش بنیان ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۱. ۸۶ - ص.
- هدایت، صادق. حاجی آقا، تهران: جاویدان ۲۵۳۶ - ۱۰۹ ص.
- هدایت، صادق. زنده به گور، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۲ - ۱۹۱ ص.
- هدایت، صادق. گردآورنده جهانگیر هدایت. فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۷۸ - ۲۴۸ ص.
- هدایت، صادق. نیرنگستان، امیر کبیر، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲ - ۲۰۲ ص.
- Abdullah, N. M. (2022). Family entrepreneurship and banking support inKuwait: conventional vs Islamic banks. *Journal of Family BusinessManagement*. 2(1): 13-29
- Aburime, U. T., & Alio, F. (۲۰۲۲). Islamic banking in Nigeria. *Africa Growth Agenda*, Vol.20, No.4, 30-31.
- Al Rahahleh, N., Ishaq Bhatti, M., & Najuna Misman, F. (2021). Developments in risk management in Islamic finance: A review. *Journal of Risk and Financial Management*, Vol.12, No.1, 37-4
- Alwi, Z., Parmitasari, R. D. A., & Syariati, A. (2023). An assessment on Islamic banking ethics through some salient points in the prophetic tradition. *Heliyon*, Vol.7, No.5, 123-134
- Bilgin, M. H., Danisman, G. O., Demir, E., & Tarazi, A. (2023). Economic uncertainty and bank stability: Conventional vs. Islamic banking. *Journal of Financial Stability*, Vol.56, No.1, 100-123
- Irji Becca. Tradition in margi sudxur, the novel by Sadriddin Ayni, aror, 1967. - pp. 352-371.
- Irji Becca. Two outstanding satires of modern tajik and Iranian literature // *Archive orientalni*, 38, 1970. - pp. 400-430.
- Nugroho, L., & Nugraha, E. (2021). The Role of Islamic Banking and E- Commerce for The Development of Micro, Small, and Medium Entrepreneur Businesses. *Business Economics and Management Research Journal*, 3(1):11-24

**Financial Economics**

Vol. (18) Issue (67) Summer 2024

**Abstract**

<https://sanad.iau.ir/journal/ecj/Article/1062603>

**Islamic banking and condemnation of usury with a look at  
Persian literature in the works of authors  
from Iran and Tajikistan**

Marjan Madani<sup>1</sup>  
SafarUmar<sup>2</sup>

Received: 09 / May / 2024 Accepted: 20 / June / 2024

**Abstract**

Persian literature is full of practical topics. Many social issues in literary texts present valid models and norms that were common in the ancient societies of Iran and Persian-speaking countries such as Tajikistan. These examples are important both in terms of understanding the society of the past and in terms of lessons and lessons for the future. Among the social issues, economic issues and its effects in the society, one of the issues is the condemnation of usury and the role of Islamic banking and its effects in the society. . To learn about this topic in Persian literature and the writings of Haji Agha "Sadiq Hedayat" and "The Death of the Usurer" by Sadr al-Din Aini in the perspective of contemporary Persian prose, this article examines Islamic banking and condemning usury with a look at Persian literature in the works of authors from Iran and Tajikistan. The most reliable Persian prose texts have been selected for the purpose of the research and have been examined by documentary method. The contents and data of this research were extracted by the method of data collection and then analyzed. The findings of this research show that economic thoughts and ideas in The line of condemning usury shows the wide effects of this phenomenon in the social issues of the country. Banking without interest and usury or Islamic banking in theory and practice is actually a kind of economic engineering to change conventional banking in order to remove interest from it. In other words, This type of banking is not an original and endogenous product of Islamic culture and civilization, but is a new innovation to remove some concerns about the usury of modern banking. In this research, from the perspective of the writings of Haji Agha "Sadiq Hedayat" and "Death of the Profiteer" by Sadruddin Aini, Islamic banking and Usury has been investigated and analyzed.

**Keywords:** Persian literature - Islamic banking - sanctity of riba - interest

**JEL Classification:** C33, C36, D31, F43

<sup>1</sup> Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan marjan.madani2022@gmail.com

<sup>2</sup> Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan (corresponding author). umarsafar@yahoo.com

Ecj@iauctb.ac.ir



Creative Commons – Attribution 4.0  
International – CC BY 4.0  
Creativecommons.org

483

